

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۹۰۳

جمعه ۲۶ دی ۱۳۹۹ - ۱۵ ژانویه ۲۰۲۱

### ترامپیسزم در فاز "آزادی بیان"

حمید تقوایی

بعد از بسته شدن توئیتر و فیس بوک و دیگر اکانت‌های اینترنتی ترامپ بحثی در مورد آزادی بیان درگرفته است. میگویند آزادی بیان ترامپ نقض شده و باید از حق او در استفاده از مدیای اجتماعی دفاع کرد.

به نظر من این یک برداشت کاملاً غلط و وارونه‌ای از آزادی بیان است. ابتدا اجازه بدهید در یک سطح عمومی و پایه‌ای حق آزادی بیان را بررسی کنیم و بعد به مورد مشخص ترامپ برگردیم.

حق آزادی بیان به رابطه پائین



با بالا، به رابطه توده مردم یک جامعه با دولت مربوط میشود و نه مناسبات افراد و موسسات و بخشهای مختلف جامعه با یکدیگر. ما خواهان این هستیم که مردم قانوناً حق داشته باشند بدون هیچ قید و شرطی و به هر شیوه‌ای که میخواهند نظرشان را بیان کنند و این هم صرفاً به معنی آزادی گفتن و نوشتن نیست بلکه منظور آزادی بیان خود با هر مدیوم

نظیر جمهوری اسلامی هر نوع آزادی از جمله آزادی بیان را نقض و سرکوب میکنند. اما تعبیر غلطی هم از آزادی وجود دارد که آنرا در رابطه با بخشهای مختلف جامعه، افراد و یا نهادها و رسانه‌ها و موسسات با یکدیگر، تعریف میکنند و حتی در مواردی مثل دفاع از آزادی بیان ایادی دو خردادی حکومت در مقطع کنفرانس برلین در

## اعتصاب ۱۳۰۰ کارگر فولاد اهواز در دفاع از حقوقشان



### بدنبال اعتراض متحدانه و موفقیت آمیز کارگران فولاد علیه بساط شورای اسلامی

#### در این شماره انترناسیونال:

حمید تقوایی - صفحه ۱ و ۵

کاظم نیکخواه - صفحه ۲

شهلا دانشفر - صفحات ۳ و ۴

حسن صالحی - صفحات ۶ و ۷

حمید تقوایی - صفحات ۸ و ۹

صفحات ۱۰ و ۱۱

صفحات ۱۱ و ۱۲

#### ترامپیسزم در فاز آزادی بیان

#### اوکراین شلیک به هواپیما را تروریستی اعلام کرد

#### کارگران فولاد علیه شورای اسلامی

#### هوای ناسالم و کشنده از دیگر محصولات جمهوری اسلامی است

#### ترامپیسزم و پارلمان‌تاریسم در آمریکا

#### از مدیای اجتماعی

#### اطلاعیه های حزب

مضمون رمان و غیره - آنرا چاپ نکرد حقی از شما ضایع نشده است. شما قانوناً آزادید هر چه میخواهید بیان کنید و موسسات انتشاراتی هم آزادند آنرا منتشر کنند و یا نکنند.

هر سردبیری حق دارد مقاله شما را چاپ نکند (اگر غیر

ادامه در صفحه ۵

منتشر کند. شما اگر مقاله‌ای در وصف همبرگر بنویسید و یک نشریه - و یا امروزه یک پلاتفرم مدیای اجتماعی - که مدافع گیاهخواری است از درج آن خودداری کرد نمیتوانید اعتراض کنید که آزادی بیان شما نقض شده است. یا اگر رمانی بنویسید و یک موسسه انتشاراتی به هر دلیلی - نبودن بازار برای آن رمان معین و یا ادبیات سستی که دارد و یا

دوره خاتمی، و یا امروز در دفاع از آزادی بیان ترامپ، تعبیر کاملاً وارونه‌ای از آزادی بیان بدست میدهد. گوئی این پائین است که جلوی دهان بالائی‌ها را گرفته!

روشن است که آزادی بی قید و شرط بیان به این معنی نیست که هر رسانه و موسسه و یا تریبون و پلاتفرم اینترنتی موظف است هر کس هر چه میگوید را

## سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

## اوکراین شلیک به هوایما را تروریستی اعلام کرد

کاظم نیکخواه



تروریستی اعلام کردن شلیک به هوایما بیان دقیق تری برای تعدی بودن شلیک به هوایماست. هیچ چیز به اندازه این فاجعه این حقیقت را که حکومت اسلامی یک حکومت تروریست است بر ملا نمیکند. سخنان الکسی دانیلوف دبیر شورای عالی امنیت اوکراین در سالروز شلیک به هوایمای اوکراینی پرواز ۷۵۲ یک کیفرخواست روشن و تمام عیار علیه جمهوری اسلامی و سران سپاه پاسداران است و از این نظر نکات بسیار مهم و تاریخی ای را در بردارد. این سخنان نشان میدهد که تلاش جمهوری اسلامی برای ساخت و پخت با دولتها و زیر فرش کردن جنایت عامدانه و عظیمی که صورت گرفت، به جایی نرسیده است و روند اوضاع به سمتی میروند که برای جمهوری اسلامی مهلک و سرنوشت ساز است.

دبیر شورای عالی امنیت اوکراین میگوید "این اقدامی تروریستی بود که علیه هوایمای متعلق به خطوط هوایی اوکراین انجام شد. می دانیم چه اتفاقی رخ داده، مسئول آن کیست و با چه منظوری این کار را انجام داده اند... پیشنهادهایی که ایران برای پرداخت غرامت می دهد به هیچ عنوان با شرایط این سانحه مطابقت ندارد. پرداخت غرامت یک موضوع است و موضوع دیگر این است که چه کسی و با چه هدفی این اقدام تروریستی را انجام داده است..." او وعده داد این پرونده به زودی به دادگاه نظامی ارسال و متهمین که به گفته وی ده نفر هستند که برخی از آنها فرماندهان عالی نظامی هستند، محاکمه خواهند شد. رئیس جمهور اوکراین نیز روز جمعه گذشته گفت "مسلم است

که ایران می دانست موشک پدافند هوایی به سوی هدفی غیرنظامی پرتاب می شود". این سخنان برای بازماندگان قربانیان و برای همه ما مردمی که قلبمان از این جنایت عمیقاً بدرد آمده است، بسیار امید بخش و مهم است. چون یک مقام دولتی و کارشناس رسمی امور امنیتی یک دولت دارد در روز روشن تأیید میکند که شلیک به هوایمای مسافربری با نقشه از قبل طراحی شده انجام گرفت و سران حکومت در آن نقش داشته اند و میدانیم کدام فرماندهان دستور شلیک داده اند و غیره.

این سخنان نشان میدهد که پرونده هوایمای اوکراینی دارد تازه باز میشود و کیفرخواست علیه حکومت اسلامی بدون تردید به دادگاههای بین المللی کشیده خواهد شد. سرعت عمل در این زمینه بسیار کندتر از آنست که انتظار داریم اما اوضاع دارد به همان سمتی میروند که ما مردم میخواهیم. با توجه به اینکه پای بازماندگان ۱۷۶ قربانی این جنایت نیز که با قاطعیت دادخواه هستند در میان است، دیگر جای زیادی برای زیر خاک کردن این پرونده برای حکومت اسلامی و حتی دیگر دولتها باقی نماند. بنابراین ماههای آینده از این زاویه ماههای مهمی است و جمهوری اسلامی زیر فشار خرد کننده ای برای معرفی عاملین و آمرین این فاجعه و این جنایت قرار خواهد گرفت. بطور خلاصه نکات اصلی سخنان دبیر شورای امنیت عالی اوکراین اینها بود:

۱- شلیک به هوایما یک اقدام عمدی و تروریستی بود.  
۲- مقامات جمهوری اسلامی از روزهای قبل برای این

اقدام نقشه کشیده بودند. ۳- حکومت اسلامی حقیقت را از ابتدا میدانسته و کتمان کرده است و هنوز هم دروغ میگوید.

۴- میدانیم چه اتفاقی افتاده و با چه هدفی این جنایت صورت گرفته و مسئول آن چه کسانی هستند.

۵- غرامت مساله را حل نمیکند باید اعلام شود که چه کسانی با چه هدفی این جنایت را مرتکب شده اند. ۶- اگر بحث غرامت باشد حداقل ده برابر آن میزانی است که حکومت پیشنهاد داده است.

۷- این پرونده به زودی به دادگاه نظامی ارسال و متهمین که ده نفر هستند، که برخی از آنها فرماندهان عالی نظامی هستند، محاکمه خواهند شد.

اینها ادعاهای بسیار مهم و تاریخی ای است. با این کیفرخواست میشود سران یک حکومت را به محاکمه کشید و به زندان افکند. چنین جنایت فجیع و تکان دهنده ای توسط یک دولت در دنیا مطلقاً سابقه ندارد. میدانیم که همه دیکتاتورهای مخالفین و منتقدینشان را میکشند و جمهوری اسلامی از این نظر هم پرونده قطوری دارد و هزاران و ده ها هزار نفر را اعدام و کشتار کرده است.

میدانیم که تروریستها دست به انفجار و آدمکشی میزنند و هوایمای مسافربری هم منفجر کرده اند. اما تروریستها دولت نیستند که مردم بتوانند بعد از جنایت سراغ آنها بروند و بازخواستشان کنند و بر سرشان فریاد بزنند آنجا هم که سرنخی از ارتباطشان با دولتی روشن شده آن دولت در محاصره جدی قرار گرفته است. شبیه معمر قذافی در لیبی و داستان انفجار هوایمای پان ام در سال ۱۹۸۸ بر فراز اسکاتلند. اما اینجا جمهوری اسلامی یک هوایمای مسافربری را که از خاک خودش یک دقیقه پیش پرواز کرده بدون هیچ بهانه و دلیل و تحریکی با توطئه گری و نقشه از پیشی با شلیک موشک سرتگون کرده و ۱۷۶ مسافربری

گناه و بی خبر را به قتل رسانده است. دقیقاً مثل اینست که یک قاتل زنجیره ای را همه بشناسند و بدانند در کدام آدرس زندگی میکند. کاری که منطقی باید کرد دستگیری قاتل و سپردن او به دادگاه است. بنظر میرسد روند اوضاع اکنون در رابطه با این پرونده وارد چنین فازی شده است. برآستی در مخیله بشر نمیگنجد و با عقل بشر جور در نمی آید که حکومتی اینچنین بیرحم و ضد انسان و ضد همه شئون و نرمها و قواعد جامعه بشری باشد. حتی برای ما که چهل سال است جمهوری اسلامی و جنایاتش را میشناختیم تصور چنین جنایت و چنین توطئه شوکه آور و تکان دهنده ای در وهله او ساده نبود. ما مردم در ایران ظرفیتهای جنایتکارانه این حکومت را تا حد زیادی میشناختیم. اما اکنون دنیا با ماهیت این حکومت روبرو شده است. و این مهم است. این یک رویداد تاریخی است. این کمر حکومت را خواهد شکست و باید تلاش کنیم که بشکنند. وقتی میگوییم "دنیا" با ماهیت این حکومت روبرو شده این را هم میدانیم که دنیا در دست دولتهاست و دولتهای دنیا بدرجات مختلفی ارتجاعی

عزیزانی که جانشان با این جنایت از دست رفت متأسفانه دیگر باز نخواهند گشت. اما میتوان کاری کرد که قاتلین این عزیزان تاوان این جنایت را آنچنان سنگین بپردازند که دیگر به مخیله شان تکرار چنین جنایاتی خطور نکند یا امکان چنین جنایاتی را نداشته باشند. از نظر ما محاکمه سران جمهوری اسلامی پاسخ درخور

و پاختها قرار گیرد. قطعاً روزی شاهد دادگاهی شدن قاتلین عزیزانمان خواهیم بود. روزی که آشکارا دور نخواهد بود. جمهوری اسلامی زیر فشار جدی بین المللی است و برای اینکه از این فشار خود را خلاص کند دست به توطئه های مختلفی زده و میزند. از جمله فشار بر بعضی خانواده ها که آنها را به همراهی با پروپاگاندا حکومت یا حداقل به سکوت بکشاند، تلاش برای اختلاف انداختن در میان بازماندگان و آنها را علیه هم تحریک کردن نیز یک تلاش و توطئه آشکار و نهان جمهوری اسلامی است. به همین دلیل این مهم است که حتی المقدور بازماندگان قربانیان پرواز 752 متحده کنار هم بایستند و بدون هیچ تردید و تزلزلی بر دادخواهی تأکید کنند.

عزیزانی که جانشان با این جنایت از دست رفت متأسفانه دیگر باز نخواهند گشت. اما میتوان کاری کرد که قاتلین این عزیزان تاوان این جنایت را آنچنان سنگین بپردازند که دیگر به مخیله شان تکرار چنین جنایاتی خطور نکند یا امکان چنین جنایاتی را نداشته باشند. از نظر ما محاکمه سران جمهوری اسلامی پاسخ درخور



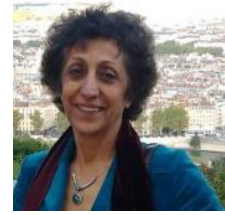
چنین جنایتی است. اما حتی اگر بقول الکسی دانیلوف همان ده نفر از فرماندهان بلند پایه ای که فرمان چنین جنایتی را داده اند نیز روزی به محاکمه کشیده شوند، یک دستاورد مهم و تاریخی در این راستا و یک نقطه عطف در جامعه بشری است. به کمتر از این نباید رضایت داد. و باید مطمئن بود که میتوان کاری کرد که این پرونده به چنین سرانجامی برسد.

و اهل مماشات و سازش و ساخت و پخت هستند. اما این دولتها در عین حال با مردمی طرفند که یک جنایت جلوی چشمشان اتفاق افتاده و هرروز ابعاد تازه ای از آن افشا و بر ملا میشود. بویژه اگر بازماندگان این جنایت و ما مردم در ایران فشار را بر گلوی جمهوری اسلامی محکم نگه داریم و اجازه ندهیم که قتل فجیع ۱۷۶ انسان شامل مروز زمان شود، یا دستمایه ساخت



## کارگران فولاد اهواز علیه شورای اسلامی

گفتگو با شهلا دانشفر



جاسوسی حکومت علیه کارگران است. آیا نمونه های دیگری از این نوع تقابل با شوراهای اسلامی در جنبش کارگری را شاهد بوده ایم؟

شهلا دانشفر: شوراهای اسلامی در محیط های کار بدلیل نقش کثیف و سرکوبگرانه شان، همه جا مورد نفرت و انزجار کارگران هستند و اعتراض علیه وجود و تشکیل آنها همواره یک موضوع اعتراضات کارگری بوده است. اما امروز یک تفاوت مهم اینست که کارگران با جلوگیری از خودشان در مقابل این نهادهای سرکوب و ابزار دست دولت و کارفرمایان ایستاده و اجازه تشکیل شدن و کوچکترین تحرکی به آنها را نمیدهند و این مهم است.

بعلاوه تلاش حکومتیان برای تشکیل شوراهای اسلامی و

از همین رو آنها با نقشه ای از قبل طراحی شده اعلام کرده بودند که ساعت ۹ صبح ۲۲ دی "انتخابات" برای برپایی شورای اسلامی انجام میگیرد و تلاش داشتند با بسیج دارو دسته هایشان و کاندید گرفتن از قبلی در این روز کار را یکسره کنند. اما کارگران هوشیارانه مقابل آن ایستادند اعلام کردند که اجازه تشکیل آنرا نخواهند داد و با اعلام اینکه "اینجا گروه ملی است و ما تصمیم میگیریم و نه هیچ مقام دیگر"، کاری کردند که اعضای هیات کذاهی اجرای این مضحکه در آن روز بساطشان را جمع کردند و فرار کردند. این چنین است که روز ۲۲ دی به یکی از دیگر روزهای مبارزات درخشان کارگران فولاد تبدیل شد.

قابل توجه اینکه این دومین بار در طول یکسال است که کارگران

با همین رویکرد است که در نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز مدیران فاسد در همدستی با مقامات حکومتی تلاش دارند که شوراهای اسلامی را علم کنند تا فضای مبارزات این دو کانون داغ اعتراضی را تحت کنترل خود در آورند و کارگران در برابر چنین تعرضی است که چنین جانانه ایستاده اند.

کارگران فولاد اهواز در کنار کارگران نیشکر هفت تپه در سال ۹۷ مبارزات جانانه ای داشتند. حکومت اسلامی تلاش کرد با سرکوب و دستگیری این مبارزات را عقب بزند. اما علیرغم همه سرکوبگریها کارگران فولاد دارند دوباره به میدان می آیند. حال با سر بلند کردن دوباره اعتراضات این کارگران و بویژه بعد از حرکت اعتراضی آنها در سیزدهم دیماه علیه مدیران منفور و فاسد و بیرون

بد نیست اشاره مختصری به جایگاه شوراهای اسلامی در قانون کار ضد کارگری جمهوری اسلامی داشته باشیم. شوراهای اسلامی کار اساسا بعد از سرکوب خونین اعتراضات و تشکل های واقعی کارگران توسط جمهوری اسلامی، در سال ۸۴ شکل گرفتند. شوراهای اسلامی یک مرکز هماهنگی و هدایت در سراسر کشور دارند که "خانه کارگر" نامیده می شود. این تشکلهای یعنی شوراهای اسلامی همانطور که از اسمشان مشخص است، تشکلهای ایدئولوژیک اسلامی هستند که مطابق قانون مصوب دولت، کسانی حق انتخاب شدن در آنها را دارند که معتقد به جمهوری اسلامی و ولایت فقیه باشند.

سابقه مخالفت با رژیم نداشتند، و با وجود اینها قبلا توسط "هنیت تشخیص" که در واقع توسط وزارت کار و مراجع پلیسی انتخاب می شود، تأیید شده باشد. در قانون شورای اسلامی رسماً تأکید شده است که آنها موظفند هرگونه "تشنج و وقایع ناگوار" را به مقامات مربوطه گزارش کنند و وظیفه آنها همکاری با مدیریت، بالا بردن تولید و حفظ نظم و انضباط و اخلاق اسلامی در محیط کار تعیین شده است. به عبارت روشنتر کار شوراهای اسلامی شناسایی و پیگرد فعالین و رهبران کارگری، اعمال فشار به زنان کارگر بر سر حجاب و مقررات اسلامی، ایجاد تفرقه در میان کارگران بر اساس مذهب و جنسیت، و کنترل اعتراضات کارگری در جهت منافع کارفرمایان و حکومت است. اینها در واقع آلترناتیو و مانع دولت در برابر تلاشهای کارگران برای متشکل شدن هستند.

انترناسیونال: روز ۲۲ دی یک حرکت مهم در فولاد اهواز صورت گرفت و آن ممانعت از نمایش انتخاباتی برای برپایی شورای اسلامی در این مجتمع کارگری بود. قبلا هم در نیشکر هفت تپه شاهد مخالفت کارگران با شورای اسلامی و مقابله متحدانه آنها با توطئه گریهای شورای اسلامی علیه کارگران بودیم. جایگاه این حرکت در جنبش کارگری چیست؟ با شهلا دانشفر گفتگو میکنیم

شهلا دانشفر! چرا کارگران فولاد اینچنین با قاطعیت جلوی شورای اسلامی ایستادند؟ سابقه این کشاکش و مخالفت چیست؟

شهلا دانشفر: شورای اسلامی شکل دست ساز حکومتی و ابزاری در دست کارفرما و دولت برای سرکوب و شناسایی کارگران معترض در محیط های کار و توطئه گری علیه کارگران است. نقش ضدکارگری این نهادهای جاسوسی در محیط های کار بر همه کارگران آشکار است. کارگران فولاد و هفت تپه نقش کثیف آنان را در مبارزات خود در عمل بارها تجربه کرده اند و امروز یک عرصه مهم مبارزه آنان مقابل برپایی شورای اسلامی در محیط کارشان است. از همین رو کارگران فولاد اهواز قاطعانه در برابر ایجاد آن در این شرکت ایستاده و در حرکتی متحدانه در روز ۲۲ دیماه بساط "انتخابات" مسخره شورای اسلامی را بهم زدند. کارگران از قبل اعلام کردند که اجازه برپایی شورای اسلامی را در کارخانه نخواهند داد و تشکل واقعی خود را ایجاد خواهند کرد و به گفته خود عمل کردند. برای روشن تر شدن بحث

## کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز بساط انتخابات شورای اسلامی را برهم زدند!



### زنده باد کارگران مبارز!

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

تحرک جدیدی که برای ایجاد آنها دیده میشود، مستقیماً به فضای پر التهاب مبارزات کارگری و کل جامعه مربوط است و آشکار تر از هر وقت حکومت و باندهای مافیایی حاکم در محیط های کار تلاش دارند با ایجاد شوراهای اسلامی مشخصاً در مقابل ادامه در صفحه ۴

فولاد اهواز موفق میشوند که با مبارزه ای متحدانه جلوی توطئه تشکیل شورای اسلامی را بگیرند. و این یک پیشروی مهم برای این کارگران و کل جنبش کارگری است. انترناسیونال: اشاره کردید که شورای اسلامی ابزار

کردن آنها از شرکت، مدیریت مافیایی حاکم بر کارخانه با همدستی خانه کارگریها و اداره کار و حراست دست به کار ایجاد شورای اسلامی شده اند تا ادامه اعتراضات کارگران را سد کنند. چون تجربه تلخی از نیشکر هفت تپه دارند و بساط چپاول خود را زیر حمله و ضرب کارگران می بینند.

## ”شورای اسلامی تنزل دست ساز حکومتی و ابزارگی در دست کارفرما و دولت برای سرکوب و شناسایی کارگران معترض در محیط های کار و توطئه گری علیه کارگران است. نقش ضد کارگری این نهاد های جاسوسی در محیط های کار بر همه کارگران آشکار است.“

ادامه از صفحه ۳

شهلا دانشفر

سر بلند کردن جنبش شورایی و وارد عمل مستقیم شدن کارگران بایستند و پیشروی آنها سد کنند. آنها میخواهند از این ارگانها فعالانه بعنوان ابزاری برای سرکوب و کنترل محیط های کار سود جویند.

نمونه بارز آن همانطور که اشاره کردم نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز است. بطور مثال در نیشکر هفت تپه بعد از سرکوب مبارزات قهرمانه این کارگران در سال ۹۷ و حمله به هیات نمایندگان شورای آنان، جمهوری اسلامی شورای اسلامی را علم کرد تا فضای شرکت را امنیتی کند و اجازه سر بلند کردن دوباره به شورای کارگران را ندهد. خصوصا اینکه هفت تپه جایی بود که کارگران در اعتراضاتشان با اعلام اینکه برای مقابله با بساط فساد و چپاول از بالا تا پایین باید اداره شورایی داشت و باید شوراهای کارگری و مردمی را ایجاد کرد و با این گفتمان، آلترناتیو شورایی را مقابل کل جامعه قرار داده بودند.

گفتمانی که در جلوی آن چهره محبوبی چون اسماعیل بخشی قرار داشت و طنین شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی و همصدایی زیبایی کارگران با او فراموش نشدنی است. از همین رو جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را کرد که با بالا بردن تابلوی شورای اسلامی، شکست اعتراضات کارگران را اعلام کند. اما کارگران از همان روز آغاز اتخاذ چنین سیاستی مقابلش ایستادند و آنرا به شکست کشاندند. از جمله در ۵ شهریور ۹۹ بود که این کارگران در طوماری اعتراضی با امضای ۱۶۰۰ نفر و ارائه آن به اداره کار شوش و وزارت کار در تهران قاطعانه خواستار انحلال شورای اسلامی در این شرکت شدند. این اقدام کارگران نیشکر هفت تپه در آن مقطع یک تعرض و یک تودهنی بزرگ به حکومتیان بود.

در ادامه چنین مقابله ای و شروع اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه در خرداد ماه سال جاری، این کارگران در همان روزهای آغاز

است. خلاصه کلام اینکه امروز مبارزه علیه شوراهای اسلامی و تلاش برای بیرون انداختن آنها و تمامی نهادهای سرکوب از محیط های کار یک گام مهم در جهت ایجاد شوراهای کارگری در سطح سراسری است.

*انترناسیونال: جمع کردن بساط شوراهای اسلامی تا چه حد به فضای سیاسی جامعه ربط دارد و چه تاثیری بر فضای جنبش کارگری و خواسته های اعلام شده کارگران خواهد داشت؟*

شهلا دانشفر: طبعاً ربط مستقیم دارد و این ارتباط دو طرفه است. یعنی هم توازن قوا و فضای پر تلاطم محیط های کارگری و در واقع کل جامعه امکان میدهد که امروز کارگر در چنین قامتی ظاهر شود و با ایستادن در مقابل نهادهای سرکوب حکومت در محیط های کار از جمله شوراهای اسلامی، اعتراضاتش را قدرتمند تر و تعرضی تر به جلو برد، وهم مبارزه برای جمع کردن بساط شوراهای اسلامی تاثیر مستقیمی بر فعالیت شدن و باز شدن بیشتر فضای اعتراض و مبارزه در محیط های کار و در سطح جامعه میگذارد و توازن قوا را به مراتب برای پیشبرد اعتراضات کارگری بهتر میکند. به عبارت روشنتر در شرایطی که جنبش کارگری چنین با قدرت به جلو میرود و جامعه در تلاطم است، حکومت اسلامی تلاش میکند با ابزار جاسوسی و سرکوبش و با امنیتی تر کردن مبارزات، به هر اندازه که شده کنترل خود را بر اوضاع حفظ کند و اعتراضات را عقب زند. یکی از این ابزارهای جاسوسی و سرکوب شوراهای اسلامی است و کارکرد کثیف آن را در نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز مشاهده میکنیم.

جدال کارگران با این نهادهای ضد کارگری، جدال علیه سرکوب گری های رژیم و

رژیم را از مراکز کاری بیرون انداخت. بطور مثال با اعتصاب سراسری ۲۵ هزار کارگر نفت در مرداد ماه فضای پادگانی این مرکز بزرگ و کلیدی کارگری شکست. اکنون کارگران رسمی نفت در اعتراض به تعرضات هر روزه به زندگی و معیشتشان برای چهارم بهمن فراخوان به تجمع داده اند. از نظر من یک خواست مهم کارگران در این تجمعات و اعتراضات بیرون انداختن نهادهای سرکوب در این مراکز است. بگذریم که در نفت خود حکومت اسلامی حتی از برپا کردن بساط تشکلهای دست ساز خود یعنی شوراهای اسلامی ترسید و به جای آن ۴۰ هزار نیروی حراست استخدام کرد. امروز خواست کارگران باید جمع شدن این بساط از مراکز نفتی باشد و در برابر هر تحرکی برای راه انداختن شورای اسلامی و وارد شدن از در دیگری برای قبضه امنیتی فضای اعتراض کارگران باید ایستاد.

**KANAL** **دوید جدید**  
**کانال جدید**

فرکانس

**تلویزیون کانال جدید**

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیگنل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)



ادامه از صفحه ۱

حمید تقوایی

بیان ایشان ندارد. اما گذشته از جنبه حقوقی - قضائی مساله، از نظر سیاسی هم موضوع کاملا روشن است. سه روز قبل، وقتیکه توئیتر حساب ترامپ را بست، اعلام کرد که ایشان با توثیتهایش به خشونت دامن میزده است. اعلام شد که نه تنها در اتفاقی که در ۶ ژانویه افتاد، بلکه برای ۱۷ ام تا بیستم ژانویه - سه روز قبل از مراسم تحلیف بایدن - نیز ترامپ و طرفداران اش از طریق مدیای اجتماعی دست اندر کار سازماندهی حمله دیگری هستند. و امروز - ۱۱ ژانویه - سی ان ان گزارش داد که در یک بولتن داخلی اف بی آی هشدار داده شده که نیروهای راست افراطی حمله کننده به کنگره برنامه مشابهی را در واشنگتن و مراکز ۵۰ ایالت آمریکا در همان فاصله ۱۷ تا بیست ژانویه تدارک دیده اند.

بنابراین در این مورد مشخص مساله حتی از موازین و مقررات ضد خشونت توئیتر فراتر می رود و کلا دیگر با هیچ تعبیر و تفسیری ربطی به آزادی بیان ندارد. بحث بر سر اقدام و عملکرد معینی است و نه بیان معینی. مساله بر سر سازماندهی و عملکرد خشونت آمیز و وحشیانه حزب الهی ها و شعبان بی مخهای طرفدار ترامپ در یک مقیاس سراسری است. هر نهاد و رسانه ای نه تنها محق است بلکه وظیفه دارد که در برابر این توطئه بایستد.

اما در آخر لازمست نگاهی هم به شرایط و فضای سیاسی ای که بحث آزادی بیان ترامپ بر متن آن طرح میشود داشته باشیم.

واقعیت آنست که بعد از ۶ ژانویه کل هیات حاکمه آمریکا و حتی شرکتها و موسسات غیر دولتی به تکاپو افتاده اند. هیولای فرانکشتین خالقش را به هراس انداخته است و نمیدانند چطور باید این غول را به شیشه برگردانند.

دموکراتها دست اندرکار استیضاح دیگری هستند، به موازات آن به مایک پنس فشار

از آن بود حجم روزنامه ها و مجلات پرتیراژ از صدها صفحه تجاوز میگرد!، هر تهیه کننده ای حق دارد از ساختن فیلمی که شما فیلمنامه اش را نوشته اید خودداری کند و یا برای نقاشی های شما نمایشگاه نگذارد و یا کامنت و مطلب شما را در مדיوم اجتماعی خودش درج کند و یا نکند. موسسات و رسانه ها و تهیه کننده ها موازین و مقررات خاص خود را برای قبول و یا رد نوشته یا آثار ادبی و هنری دارند. میتوان به دادگاه مثلا بر این مینا که موازین و مقرراتی نقض نشده شکایت کرد ولی این موضوع ربطی به آزادی بیان ندارد. دیکتاتوریهها و نهادهای دولتی در جامعه، مثلا اداره ارشاد در جمهوری اسلامی، محدود کننده و یا ناقض آزادی بیان هستند و نه موسسات و افراد و رسانه ها.

بنابراین اولین پاسخ به هیاهویی که راست افراطی آمریکا و رسانه هایی نظیر فاکس نیوز در مورد نقض آزادی بیان ترامپ براه انداخته اند اینست که ایشان کاملا آزاد است چون دولت جلوی بیان ایشان را نگرفته است. نه قانونا و نه عملا. و اصلا نمیتواند هم بگیرد چرا که خود ایشان هنوز رئیس جمهور قدرتمند ترین دولت دنیاست. هر لحظه اراده کند میتواند از رادیو و تلویزیون مردم آمریکا و دنیا را طرف خطاب قرار دهد و هر چه میخواهد بگوید.

ممکن است گفته شود مساله اینست که توئیتر و دیگر پلاتفرمهای مدیای اجتماعی اکانت ایشان را بسته اند یعنی نه آزادی بیان بلکه شیوه خاصی از بیان ایشان نقض شده است. در این مورد هم پاسخ به سادگی اینست که سرویس دهندگان پلاتفرمهای اینترنتی قوانین و موازین معین خود را دارند. اگر ترامپ معتقدست این موازین را نقض نکرده میتواند به دادگاه شکایت کند. بعبارت دیگر این یک مساله قضائی مشخص است و ربطی به حق آزادی

حق آزادی بیان به رابطه پابین با بالا، به رابطه توده مردم یک جامعه با دولت مربوط میشود و نه مناسبات افراد و موسسات و بخشهای مختلف جامعه با یکدیگر.



برگشت تعرض راست افراطی در صفوف طبقه حاکمه است.

در چنین اوضاعی بخشی از جمهور یخواهان و رسانه های طرفدار ترامپ نظیر فاکس نیوز تنها راه دفاع از خود را در علم کردن آزادی بیان یافته اند. کسانی که در چهارساله اخیر تریبون انتشار دروغهای گوبلزی ای بوده اند (و هنوز هم هستند) که باعث و بانی افسار گسیختگی امروز گله های ترامیست است، ناگهان به لیبرالهای طرفدار آزادی بیان تبدیل شده اند.

کمدی عجیبی است اما برای ما این داستان آشنا است. این ورژن آمریکائی پاسدار ولترهای وطنی و دفاعشان از کنفرانس برلین و "آزادی بیان" امثال سروش در خارج کشور است. امیدوارم در آمریکا هم نیروی چپی پیدا بشود و جلوی این کمدی "آزادی بیان" بایستد.

۱۱ ژانویه ۲۰۲۱

ایشان از تعهدش به انتقال مسالمت آمیز قدرت پشیمان است و از اتفاقات ۶ ژانویه هم بهیچوجه ناراحت نیست! اما جمله آخر شوخی نیست. سؤال همه اینست که ضربه بعدی کی فرود خواهد آمد؟ آیا "ادامه کار" بعد از تحویل قدرت به بایدن است و یا در همین ده روز باقیمانده؟ این اکنون موضوع بحث و گفتمان رسانه ها و مقاماتی است که مانند سناتورهای امپراتوری رو به زوال رم، نمیدانند با سزار خودسر چه کنند.

همچنین غولهای اینترنتی نظیر توئیتر و فیسبوک و گوگل و مایکروسافت و اپل و آمازون به تکاپو افتاده اند تا فضای مدیای اجتماعی را هر چه بیشتر بر ترامپ و گله های طرفدارش تنگ کنند. بعضی از شرکتها هم، نظیر نشریه فوربس، اعلام میکنند هیچیک از اعضای کابینه و کارکنان کاخ سفید در دوره ترامپ را استخدام نخواهند کرد و غیره. این در واقع موج

می آورند که با استفاده از یک بند قانون اساسی رئیس اش را خلع کند و در این ده روز باقیمانده خودش رئیس جمهور بشود. جمهور یخواهان با خود کلنچار میروند که چطور از "کودتای ۶ ژانویه" فاصله بگیرند بدون آنکه پایگاه اجتماعی ترامپ را از دست بدهند. برخی از اعضای کابینه ترامپ از جمله وزیر امنیت ملی استعفا داده اند و برخی از دموکراتها میخواهند فراری به کنگره ببرند مینی بر اخراج نمایندگانی که به دروغ تقلبی بودن انتخابات دامن زده اند و غیره.

از سوی دیگر ترامپ در آخرین پیامش بعد از محکوم کردن خشونت ۶ ژانویه و اعلام اینکه سعی خواهد کرد انتقال قدرت با مسالمت انجام شود، پیامش را با این جمله تمام کرد که "این تازه شروع کار است!" کسی بخش اول پیام ایشان را جدی نگرفته است. بخصوص که از قول نزدیکان ترامپ گزارش میدهند که

## هوای ناسالم و کشنده از دیگر محصولات جمهوری اسلامی است!

حسن صالحی



جمهوری اسلامی مردم بی گناه را فقط با شلیک موشک به هوایم مسافری و یا در خیابان با شلیک گلوله به قلب و مغز شهروندان و یا بر چوبه دار و یا در زیر شکنجه شکنجه گرانش در زندانها نمی کشد. رژیم اسلامی با آلوده کردن هوا یعنی این عنصر اساسی حیات نیز دارد مردم را به کشتن می دهد.

این روزها آلودگی هوا در بسیاری از شهرهای کشور به حد خطرناک و هشدار دهنده ای رسیده است بطوریکه تنفس این هوای آلوده برای همه گروههای سنی مضر اعلام شده است. یعنی الان طوری شده است که مردم با هر نفسی که می کشند بیشتر دچار وحشت می شوند چرا که این هوا آنقدر آلوده است که شهروندان را دچار مشکلات تنفسی و سپس مرگ خواهد کرد. رئیس مرکز تحقیقات آلودگی هوای دانشگاه علوم پزشکی تهران می گوید در ایران هر سال حدود ۴۰ هزار نفر بر اثر پیامدهای آلودگی هوا جان خود را از دست می دهند.

### استفاده از مازوت

علت مشکل آلودگی هوا چیست و چه کسی مسئول آن است؟ مشکل همه بدبختی های مردم ایران جمهوری اسلامی است. آلودگی و سمی بودن هوا هم محصول جمهوری اسلامی است. طبعا عوامل متعددی در آلودگی هوا تاثیرگذار هستند. به این عوامل متعدد و چگونگی نقش مستقیم جمهوری اسلامی در آلودگی هوا بعدا اشاره ای خواهیم کرد. اما آنچه که اینبار مشکل آلودگی ها هوا را به طور انفجاری در شهرهای

چراغ سبز و مصوبه دارد، به همین دلیل است که آقایان با خیال راحت بیش از دو ماه است که مازوت می سوزانند.

این وضعیتی است که جمهوری اسلامی برای مردم بوجود آورده است. برخی از مقامات جمهوری اسلامی و مسئولین نیروگاهها ابتدا مسئله استفاده از مازوت را تکذیب کردند ولی دیری نپایید که با ابراز نگرانی و اعتراض مردم حقیقت برملا شد و استفاده از مازوت در صنایع و نیروگاهها مورد تایید قرار گرفت. در روزهای گذشته با شدت گرفتن آلودگی هوا در بسیاری از شهرها کمپین "مازوت نسوزانید" در فضای مجازی راه افتاده است. وزیر نفت اعلام داشت "ما به هیچ وجه مایل نیستیم که مازوت مصرف شود، اما چاره ای نداریم". کلاتری هم گفت "ما نمی توانیم به صرف تولید برق، مازوت بدهیم و هوای شهر را به این روز بیاندازیم".

### مازوت، کرونا و سلامتی شهروندان

بنا به گفته "سهیل بحرکاظمی" دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته مهندسی نفت، در اثر سوزاندن سوخت های فسیلی حاوی گوگرد همچون مازوت، ترکیباتی موسوم به SOx منتشر می شوند که بخش بیشتر آن را SO2 تشکیل می دهد. گوگرد دی اکسید گازی سمی است که برای سلامتی مضر است. این گاز، وزن بیشتری نسبت به هوا دارد و زمانی که غلظت آن در هوا به بیش از 500 ppb برسد، بوی بدی خواهد داشت که در این سطح، کشنده است. این گاز در غلظت های پایین تر، درد قفسه سینه، مشکلات تنفسی، قرمزی چشم و افزایش احتمال بروز بیماری های قلبی و تنفسی را به همراه دارد. اثر دوم سوزاندن مازوت و سایر سوخت های گوگردی، تشکیل سولفات ها و نیترات ها به شکل ذرات معلق در هواست که این هم به نوبه خود خطر آسم و حملات قلبی و تنفسی را افزایش می دهند. اثر سوم

سوزاندن مازوت از منبع انتشار آن فراتر می رود و در این حالت اکسیدهای گوگرد به دلیل واکنش در اتمسفر و فاز محلول در آب، به اسید تبدیل می گردد و طبق شرایط خاص هواشناسی به باران و یا برف اسیدی منجر می شود.

در شرایطی که کرونا بیدار می کند آلودگی هوا نیز به کمک کرونا می آید و سلامتی شهروندان بیشتر به خطر می افتد. همانطور که گفته شد آلودگی هوا به سیستم تنفسی آسیب می رساند و طبعا فرد را هم در برابر ویروس کرونا ضعیف تر می کند. بنا به برخی گزارشات آلودگی هوا و ذرات آلاینده هوا تا ۱۵ درصد منجر به افزایش موارد مرگ و میر و ابتلای ناشی از کرونا می شود.

### عوامل دیگر آلودگی هوا

بحران آلودگی هوا در ایران یک بحران مزمن است که استفاده از مازوت آنرا در ابعادی فاجعه آمیز تشدید کرده است و طبعا باید به عنوان یک اقدام فوری استفاده از آن را در صنایع و نیروگاه ها ممنوع کرد. اما عواملی دیگری هم در آلودگی هوا در ایران سهیم هستند. در یک نگاه عمومی مهمترین منابع آلودگی هوا حمل و نقل، نیروگاه های حرارتی و فعالیت های صنعتی شمرده می شود. مصرف سوخت های فسیلی نظیر ذغال سنگ و نفت انواع و اقسام مواد سمی را در هوا منتشر می کند که برای انسان و طبیعت بسیار مضر است. آلودگی صنعتی که یکی از منابع اصلی آلودگی هوا به شمار می رود اکنون نه فقط از مجرای دودکش کارخانجات بلکه در اشکال متنوع تر و بسیار خطرناک تر علیه جامعه انسانی و محیط زیست عمل می کند. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی که جان انسانها کوچکترین ارزشی برای حاکمین ندارد هر اقدام و تصمیمی که گرفته می شود در جهت نابودی و تخریب محیط زیست و علیه ساکنین کشور است. مثلا می شود به سوخت خودروها و بنزین ساخت جمهوری اسلامی

اشاره کرد. رژیم اسلامی با ترکیب خطرناک بنزن به بنزین یک بنزین سرطان زا و غیراستاندارد را برای مصرف در اختیار شهروندان گذاشت. قابل ذکر است که بنزن ماده بسیار سمی و کشنده است و تنها به مقدار بسیار ناچیز برای بهسوزی بنزین از آن استفاده می شود. آمریکا در سال ۲۰۱۱ میلادی میزان مجاز بنزن در بنزین را به ۶۲/۰ درصد کاهش داد. حد استاندارد اروپا برای آلاینده بنزن موجود در هوا پنج میلی گرم و در ژاپن سه میلی گرم در متر مکعب است. در همین حال گفته می شود که میزان بنزن موجود در هوای تهران چند ده برابر برابر استانداردهای جهانی است.

علاوه بر سوخت غیراستاندارد باید به تولید خودروهای غیر استاندارد هم اشاره کنیم که باعث آلودگی محیط زیست در ایران شده است. بعنوان مثال حذف کنیستر از خودروها یعنی قطعه ای که بخارات ناشی از احتراق بنزین را جذب کرده و مانع از ورود آنها به هوا و آلوده کردن آن می شود یکی از دلایل آلودگی فاجعه آمیز هواست که شرکت های خودرو سازی و دولت مسئول مستقیم آن بوده اند.

یکی دیگر از دلایل آلودگی هوا در ایران استفاده از خودروهای آلاینده و فرسوده است که با توجه با انحصار خودرو از جانب دولت می توان فهمید چرا در باره آن فکری نمی شود. طبق گفته ایرانا براساس آخرین گزارش اعلام شده از سوی مراجع ذیصلاح: "۸۷ درصد مینی بوس ها، ۸۱ درصد موتورسیکلت ها، ۷۳ درصد اتوبوس های درون شهری، ۶۰ درصد کامیون ها، ۵۸ درصد تاکسی ها، ۴۴ درصد اتوبوس های برون شهری، ۲۷ درصد وانت ها و ۴ درصد سواری های کشور اسقاطی بوده که ۸۰ درصد این سواری ها هم غیراستاندارد هستند، این در حالی است که گفته می شود ۶۰ تا ۷۰ درصد آلودگی هوا مربوط به ذرات معلق است که اهمیت استاندارد و پایین بودن سن خودرو را به عنوان منبع



ادامه از صفحه ۶

حسن صالحی

ذرات معلق نشان می‌دهد.

جمهوری اسلامی از یکطرف اجازه تردد کامیونهای بالای ۲۰ سال را در جاده های نمیدهد و از سوی دیگر همین کامیونها وارد شهرها شده اند و حمل و نقل داخل شهری را بر عهده گرفته اند آنها با گازوئیلی که کیفیت آن استاندارد نیست.

در همه فاکت ها و گفته های ذکر شده نقش و مسئولیت جمهوری اسلامی را در آلودگی هوا می توان مشاهده کرد. جمهوری اسلامی به جای ایجاد حمل و نقل استاندارد و ایمن، بجای ایجاد صنایعی با استانداردهای بالای زیست محیطی مشغول غارت طبیعت و محیط زیست ایران است. این رژیم ضد انسانی با زمین خواری، جنگل خواری، معدن خواری، مراتع خواری از یک طرف به جان محیط زیست افتاده است و از سوی دیگر در دل شهرها با سوخت و خودروهای نامناسب و صنایعی که آلاینده هایشان در حلق و گلو و چشم شهروندان می رود جان مردم را مورد هدف قرار داده است. این وضع باید فوراً خاتمه یابد.

## چه باید کرد؟

جمهوری اسلامی مسئول تخریب محیط زیست و آلودگی هوا و کشتن شهروندان است و باید در مقابل این وضع هم پاسخگو باشد. دولتی که وزیرش با بی اعتنائی تمام به سلامت مردم می گوید " مجبوریم که مازوت استفاده کنیم" باید گورش را گم کند و برود. با حکومتی روبرو هستیم که به خاطر بیماری و ضد آمریکایی و ضد غربی و اعتقادات گند اسلامی اش نمی خواهد واکسن کرونا از دولتهای غربی بخرد. حالا هم به بهانه تحریم می خواهد آلاینده های مازوت را در حلق و گلو مردم بکند. چرا مردم ایران باید تاوان گردن کشی های شما با دنیای غرب و دولتهای دیگر را بدهند؟ شما که از قبل تحریم ها ثروتهای افسانه ای به جیب زده اید

حفظ محیط زیست و مبارزه با روندهای مخرب و خطرناک کنونی، نیازمند توجه و دخالت و مبارزه گسترده بخشهای هرچه وسیعتری از مردم است. باید جمهوری اسلامی را بعنوان عامل متقیم تخریب محیط زندگی مورد تعرض قرار داد.

اینها رئوس برخی اقداماتی است که می تواند در مبارزه با آلودگی هوا موثر باشد. طبعاً به این لیست می توان موارد خرد و درشت دیگری را هم اضافه کرد.

مسئله آلودگی هوا در ایران بسیار جدی است. باید همه مردمی که در فضای این هوای آلوده تنفس می کنند دست بکار شوند و خواهان اقدامات فوری برای رفع این مشکل بزرگ و کشنده شوند. جمهوری اسلامی مسئول این وضعیت خطرناک و ناپایمن است. ضروری است که با مبارزه دسته جمعی و اتکا به اشکال مختلف اعتراض، جمهوری اسلامی را وادار کنیم که همین امروز بیشترین امکانات کشور را برای حل این مشکل بکار گیرد. حق برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن حق همه ماست. باید از همین حالا با جدیت برای تحقق این حق بکوشیم و با سرنگونی رژیم اسلامی سرمایه داران آنرا به بعنوان فرمان حکومت کارگران و مردم زحمتکش به کرسی بنشانیم.

جهانی نیز موفقیت کمتری بدست آمده است. در ایران وضع به معنای واقعی کلمه افتضاح است. هیچ کنترل و بازرسی درست و حسابی ای در این مورد وجود ندارد. صنایع در قلب شهرها و مناطق مسکونی جان و سلامتی ساکنین را تهدید می کند و در این رابطه اقدامی نمی شود. در اینجا باید تاکید کنیم که صنایع آلاینده بطور قطع باید از محدوده شهری خارج شوند و در بیرون از شهر نیز با نصب فیلتر و یا استفاده از تکنولوژی جدید از میزان آلاینده های آنها کاسته شود.

- آزادی ساکنین کشور و نمایندگانشان آنها در کنترل و بررسی تاثیرات فعالیت های دولت و بنگاه های مختلف بر محیط زیست. - جایگزینی منابع فسیلی انرژی با انرژی های جایگزین تجدید پذیر یعنی از جمله انرژی خورشید، باد، انرژی گرمایی اقیانوس ها، انرژی امواج آب و انرژی جزر و مد اقیانوس ها و بیوکاز.

- حفظ جنگل ها و افزایش کشت درخت و محیط سبز که به نوبه خود به تصفیه هوای آلوده کمک می کند.

رفته است. در همه این موارد لازم است حقوق صاحبان این خودرو ها حفظ شود.

- تامین شبکه اتوبوسرانی و متروی درون شهری رایگان. - گازهای خارج شده از آگزوز خودروها یکی از منابع اصلی آلودگی هواست. بخصوص اینکه می دانیم وسایل نقلیه موتوری در ایران نسبت به دیگر کشورها از بالاترین مصرف سوخت برخوردار هستند. اگر جامعه بتواند شبکه ترانسپورت شهری رایگان را در اختیار شهروندان قرار دهد طبعاً این به کاهش استفاده از خودروهای شخصی منجر خواهد شد و این به نوبه خود به کاهش آلودگی هوا می انجامد. تامین بهترین شرایط برای استفاده همه شهروندان از امکان وسایل نقلیه عمومی با سرویس و دسترسی مناسب یکی از موثرترین راه های مقابله با آلودگی هواست.

- تنظیم و اجرای مقرراتی که کارخانه داران و صاحبان صنایع را موظف به رعایت مسائل زیست محیطی و کاهش انتشار آلاینده های صنعتی در هوا می کند. - متاسفانه در این بخش دقیقاً به دلیل ماهیت سودپرستانه سرمایه داران حتی در سطح

و حالا مردم باید به بهانه تحریم ها مازوت هم بخورند؟! برای جلوگیری از وضعی که بوجود آمده است باید استفاده از مازوت بعنوان سوخت فوراً ممنوع شود. از سوی دیگر باید این خواستها را در همه جا در مقابله با آلودگی هوا مطرح کرد:

- اعمال مقررات سختگیرانه برای میزان مجاز انتشار گازهای آلاینده خودرو ها که باید توسط شرکت های سازنده خودرو رعایت شود. - شرکتهای خودروساز موظفند استاندارد تولید خودرو را مطابق استانداردی که کمترین انتشار گازهای آلاینده هوا را دربرداشته باشد ارتقا دهند. این به معنای ساخت و طراحی وسایل نقلیه موتوری است که از حداقل سوخت استفاده کند. این استانداردها تحت حاکمیت جمهوری اسلامی در مقایسه با کشورهای اروپایی بسیار عقب تر است و تازه در همان حد تعیین شده هم کمتر رعایت می گردد.

- از رده خارج کردن خودروهای قدیمی و فرسوده و همچنین همه خودروهایی که در تولید آنها کنیستر حذف شده است و یا در ساختن لنت ترمز و کلاچ آنها آزیست بکار

## ترامپیسیم و پارلمان‌تاریسم در آمریکا

حمید تقوایی



بعد از حمله به کنگره آمریکا همه انگشته‌ها به سوی ترامپ اشاره رفته است. تبیین رایج تقریباً همه رسانه‌ها و تحلیلگران اینست که طرفداران عصبانی ترامپ که از عدم انتخاب مجدد او ناراضی بودند به ساختمان کنگره حمله بردند. همه معتقدند این اتفاق حاصل شکست ترامپ در انتخابات بوده است منتهی با دو تبیین مختلف. رسانه‌های طرفدار ترامپ این حمله را اعتراض توده مردم ناراضی از انتخابات که "متاسفانه به شورش و خشونت کشیده شد" میدانند و طرفداران بایدن حمله سازمان یافته راسیست‌ها و برتری طلبان سفید به نماد دموکراسی آمریکا. ولی حمله به کنگره را نمیتوان صرفاً در قالب انتخابات و ناراضی‌تاری ترامپ از انتخاب نشدن توضیح داد. بحث بر سر عدم اعتقاد ترامپ و ترامپیسیم به نفس انتخابات و پارلمان است.

### ترامپیسیم در برابر پارلمان‌تاریسم

حمله به ساختمان کنگره نتیجه شکست ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ نیست، بلکه ادامه منطقی پیروزی ترامپ در ۲۰۱۶ است. ترامپ طی چهار سال ریاست جمهوری نامتعارف اش به ارگانها و اتوریت‌های متعارف دولتی در آمریکا واقعی نگذاشت، وفاداری به خود را بالاتر از قانون و حقیقت و انجام وظیفه قرارداد، و هر جا هرکس این را نپذیرفت را بیاد حمله گرفت: از رسانه‌های که دروغ‌های او را برملا میکردند تا مسئولین اف بی آی و سی آی که در مورد

که قهرمانان ترامپ امثال بوتین و کیم جون اون هستند.

اما سطحی نگری است اگر موضوع را فقط در قالب ترامپ و ترامپیسیم ببینیم. ترامپیسیم خود زائیده بحران عمیقتری در کل سیستم حکومتی آمریکا است.

### ریشه‌های ترامپیسیم

در اواخر ریاست جمهوری اوپاما یک نظرسنجی موسسه گالوپ نشان داد که نزدیک به ۸۰ درصد مردم آمریکا نه تنها به دو حزب دموکرات و جمهوریخواه، بلکه به کل

بودند و دیگر نمیتوانستند این شرایط را تحمل کنند. ترامپ محصول چنین شرایطی است. عروج ترامپیسیم در واقع بازتاب بحران سیاسی-اقتصادی بورژوازی آمریکا در صفوف طبقه حاکمه است. در سطح جامعه و توده مردم بروز این بحران را در سر بلند کردن جنبش اشغال، جنبشی که خود را نماینده ۹۹ درصدیها در برابر یک درصدیها اعلام کرد، در جنبش ضدخشونت و تجاوز جنسی علیه زنان که به "می تو" معروف شد، در جنبش میخوام نفس بکشم، در جنبش ضد فاشیستی آنتیفا، و در حرکات اعتراضی توده مردمی مشاهده میکنیم که در سال گذشته به پائین



سیستم سیاسی و حکومتی در آمریکا بی اعتماد هستند. زمینه‌های این بی اعتمادی را بن بست فریدمنیسم و فعال مایشانی اقتصاد بازار آزاد که به فروپاشی اقتصادی ۲۰۰۸ منجر شد، ناکامی بوشیسم و شکست هژمونی طلبی میلیتاریستی دولت آمریکا در سطح جهانی، و بی تأمین اقتصادی و بی آینده‌گرایی مردم کارگر و کارکنی فراهم آورد. بود که شاهد فرجه شدن هر چه بیشتر یک درصدیهای میلیاردی در برابر فقر و مسکنت ۹۹ درصدیها

کشیدن مجسمه‌های "قهرمانان ملی" دوره برده داری در آمریکا، حذف نام آنها از بعضی از خیابانها و میدانها و طرح خواست و گفتمان عمومی انحلال پلیس منجر شد. از سوی دیگر محبوبیت برنی ساندرز که خود را علناً سوسیالیست و ضد یک درصدیها مینامید، انتخاب نمایندگان چپ تر از ساندرز مانند آلکساندریا اوکاسیو کورتز در انتخابات میان دوره ای کنگره و بالاخره برای اولین بار انتخاب دو نماینده از حزب دموکرات، یک سیاهپوست و



ادامه از صفحه ۸

ترامپیسیم آینده هولناکی را در برابر جامعه و حتی در برابر طبقه حاکم قرار داده بود. تصویر هولناکی که باعث شد این بار طرفداران ساندروز نیز بر خلاف دوره قبل، به کاندید خط میانه رای بدهند.

با این همه انتخاب بایدن به معنی بازگشت به شرایط متعارف نیست. ترامپیسیم لجن جامعه آمریکا، نیروهای راسیست و برتری طلبان سفید و فاشیستهای رسمی و علنی که در زوایای تاریک جامعه و مدیای اجتماعی لانه کرده بودند، را بمیدان آورد و فعال کرد. در جلوی صف اوپاشی که به کنگره حمله کرده اند رهبران این نیروها قرار داشتند که اکنون نام و عکس و سابقه شان در رسانه ها منتشر شده است. رسانه ها در گزارشات مستند خود چهره های سابقه داری از راستهای افراطی، "اوباش اینترنتی"، "ملی گرایان سفید" مبلغین "تئوری توطئه کیوانان"، رهبران "پسران مغرور" - برتری طلبان سفید که ترامپ در مناظره تلویزیونی اش با بایدن خطاب به آنان گفت "عقب بنشینید و آماده باشید" - اوباشانی که در تظاهرات ضد نژاد پرستی در شارلوتز ویل با مردم درگیر شدند و ترامپ با اعلام اینکه "در هر دو طرف آدمهای خوبی قرار دارند" از آنان حمایت کرد، نازیستهای علنی که بر تی شرتشان نوشته بودند "آشوبتس برای همیشه" و "شش میلیون کافی نیست" - اشاره به شش میلیون قربانی کوره های آدمسوزی - و قمه کشانی از این قبیل را که میتوان آنانرا معادل آمریکائی شعبان بی مخ ها و حزب الهی ها در ایران دانست، در صف مقدم حمله اوباشان به کنگره شناسائی و معرفی کرده اند. اینها بخش فعال پایگاه اجتماعی ترامپ هستند.

شکست انتخاباتی ترامپ با دروغهای او مبنی بر تقلب انتخاباتی این نیروها را به تحرک واداشته است، اما پلاتفرمشان فراتر از ترامپ و ترامپیسیم است. اینها اعلام کرده اند که میخواهند

"بنین و ترامپ معتقدند پارلمان را باید جمع کرد و بجای آن متت آهنین نظم و قانون را نشاند. آنها هم مانند هیتلر بدنبال احیای عظمت از دست رفته کشورشان از طریق ریگلتائوری و با آنکه به توده مردم تصبیح و تشجیع شده حول تعصبات ملی و نژادی هستند. فاشیسم ترامپ در ضدیت با سیاهپوستان و مهاجرین و زنان و معلولین، در خلفه حکومتی به متت آهنین ریگلتائوری یک ترجمه میشود که هیچ قانون و معیارکی بجز وفاداری به خود را نمیدیرد."

آنچه در شکل ضدیت با مهاجر و سیاهپوست و خارجی ستیزی و حتی شونیسیم زن ستیز ظاهر میشود در واقع تقابل کل طبقه حاکمه با محروم ترین و بی حقوق ترین و سخت کوش ترین بخش طبقه کارگر آمریکا است. این جدال است که نهایتا به جنبشهایی نظیر جنبش اشغال و میخوایم نفس بکشیم و "می تو" در صفوف مردم، و تحرک بیسابقه دارو دسته های فاشیست در جبهه طبقه حاکمه شکل داده است.

## آینده از آن کیست؟

ترامپ لجن جامعه آمریکا را رو آورده است، اما فاشیسم آینده آمریکا را رقم نخواهد زد. روند عینی تحولات اجتماعی و اقتصادی و جمعیتی در آمریکا و در سطح جهانی کلید حل مسائل پایه ای و مزمن جهان ما را در دست توده مردم کارگر و کارکن، در دست ۹۹ درصدیها، قرار داده است. آینده از آن توده مردمی است که با جنبش اشغال، با پرچم میخوایم نفس بکشیم و با خواست انحلال پلیس گوشه ای از قدرت خود را به نمایش گذاشتند. ترامپیسیم بیش از آنکه نشاندهنده راه حل طبقه حاکمه باشد، نشانه عجز او در حل مسائل پایه ای است که هم اکنون ۹۹ درصدیها را نه تنها در آمریکا، بلکه در ایران و در سراسر جهان به حرکت درآورده است.

۹ ژانویه ۲۰۲۱

صنعتی و فارمر نشین، و بالاخره مدرنیسیم و گرایش به چپ که بویژه به شکل رویگردانی نسل جوان از تعصبات مذهبی و نژادی خود را نشان میدهد، نفوذ اجتماعی جمهوریخواهان را هر روز کم رنگ تر میکند.

تلاش آنها برای مانع تراشی و سخت کردن رای دادن بوسیله مهاجرین و سیاهپوستان که از مدتها قبل آغاز شده و در انتخابات اخیر به شکل مخالفت با رای دادن از طریق پست خود را نشان میداد نیز در نهایت نمیتواند مشکل آنها را حل کند. اساس مساله در واقع عدم کارائی پارلمان تاریسیم برای کلان سرمایه داران و راس یک درصدیهای حاکم است. حزب دموکرات هم گرچه تلاش میکند با تغییرات دموگرافیک خود را وفق بدهد اما این حزب هم نهایتا از حل و حتی تخفیف مسائل پایه ای که به شرایط حاضر منجر شده ناتوان است. از دست رفتن موقعیت بر تر دولت آمریکا در سطح جهانی، بحران محیط زیستی و امروز بحران کرونا که در آمریکا بیداد میکند، بحران اقتصادی که در اثر شیوع کرونا بمراتب عمیق تر و گسترده تر شده است، و بالاخره بی تأمینی اقتصادی توده مردم و شکاف عظیم بین کوه ثروت و دره فقر که در جامعه آمریکا بیش از هر کشور غربی دیگری قابل مشاهده است،

این مسائل پایه ای و مزمن تنها مساله جمهوریخواهان و کلان سرمایه داران نیست، مساله کل طبقه حاکمه آمریکا است.

با اوباش فاشیست محدود نمیشود. اکثریت جمهوریخواهان نیز همانند کله های راست افراطی انتخابات را تقلبی میدانند و حتی اکثریت بالائی از نمایندگان جمهوریخواه در کنگره در ادامه همان جلسه ای که مورد حمله اوباش قرار گرفت، انتخاب بایدن را تأیید نکردند. آنها در حالیکه همه میداتستند ادعاهای ترامپ در مود تقلب در انتخابات از جانب حتی مسئولین انتخاباتی جمهوریخواه در ایالات مختلف، در بیش از شصت دادگاه ایالتی و در دادگاه عالی آمریکا که اکثریت قضاتش جمهوریخواه هستند، بارها رد شده است.

عدم پذیرش بایدن از جانب جمهوریخواهان بخاطر تقلب در انتخابات نبود، بخاطر نفس انتخابات بود. ۹ سال پیش جنبش اشغال اعلام کرد آزادی از صندوق رای بیرون نمی آید و امروز ترامپیسیم اعلام میکند منافع یک درصدیهای حاکم نیز از صندوق رای بیرون نمی آید.

## درماندگی پارلمانتاریسم

مدتهاست بخش محافظه کار طبقه حاکمه با انتخابات پارلمانی مشکل دارد. اساس مساله آنها اینست که تغییرات دموگرافیک در جامعه آمریکا، تغییر ترکیب جمعیتی به نفع رنگین پوستان و مهاجرین، گسترش شهرهای بزرگ به ضرر شهرهای کوچک غیر

آمریکا را از سیاهپوستان، از مهاجرین، از رنگین کمانی ها، از طرفداران محیط زیست، از یهودیها و از چپها و لیبرالها پس بگیرند. ترامپ و اکثریت بالائی از حزب جمهوریخواه و بدنه ماشین دولتی حاکم و رسانه هائی نظیر فاکس نیوز با این نیروها "همدرد" و هم جهت اند.

## ترامپیسیم در مقابل چپ اجتماعی

در برابر چپ اجتماعی و جنبشهای رادیکال توده ای خیابانی، نظام حاکم از پلیس و کنگره و کل ماشین دولتی و هر دو حزب حکومتی عملا در کنار ترامپ قرار میگیرند.

پلیس و نیروهای امنیتی آمریکا از حمله به کنگره آگاه بودند و با این حال "غافلگیر" شدند و تا سه ساعت پس از حمله به کنگره حرکتی از خود نشان ندادند. پلیس ضد شورش که چند ماه قبل سوار بر اسب و با گاز اشک آور و باتوم به تظاهرات مسالمت آمیز جنبش میخوایم نفس بکشیم حمله برده بود، در برابر حمله اوباش فاشیست که در اینترنت و حتی در سخنرانی های ترامپ قصد خود را اعلام کرده بودند، بیشتر نظاره گر بود. به گزارش رسانه ها تعداد دستگیر شدگان این ماجرا تا کنون کمتر از یک پنجم دستگیر شدگان تظاهرات مسالمت آمیز در دفاع از جورج فلویید است. اما مساله فقط به همراهی پلیس و نیروهای امنیتی

## از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran | اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91 | تلگرام: telegram.me/wpi\_hkki | شماره اپ و تلفن تماس: ۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

## به همه دنیا بگویید!

اصغر کریمی

بگویید که جمهوری اسلامی یک فعال کارگری را به جرم فعالیت های زیر میدزدد و به زندان میبرد:

فعالیت در دفاع از حقوق کارگران -

- مصاحبه با ماهواره های خارجی در مورد وضعیت زندانیان و شکنجه زندانیان سیاسی

- پیام ویدیویی به مناسبت سالگرد جانباختگان سال ۹۸ -

مخالفت با اعدام نوید افکاری و روح الله زم

- توزیع کمکهای مالی در میان کودکان کار و خیابان

اینها جرایم جوانمیر مرادی است که روز ۱۴ دی ۹۹ با توطئه او را گرفتند، دستنبد

زدند و به زندان دیزل آباد کرمانشاه بردند و بازجوی قوه قضاییه حکومت به او

تفهیم اتهام کرد. در بیرون زندان نیز سرایان بدنام امام

زمان همسرش، فوزیه خالصی

را که برای آزادی او دست به افشاکاری زده بود تهدید کردند.

این جرایم، یعنی دفاع از حقوق کارگران، اعتراض به شکنجه زندانیان، گرامیداشت یاد

جانباختگان آبان ۹۸، مخالفت با اعدام، کمک به کودکان

کار و خیابان، مایه افتخار جوانمیر مرادی و هر انسان

شرافتمندی است. جرایمی که همه مردم شریف و معترض،

خود را در آن شریک میدانند. این اتهامات که شامل همه

فعالین کارگری و زندانیان سیاسی میشود، سند

محکومیت، عدم مشروعیت، ورشکستگی و بیگانه بودن

حکومت با جامعه و دشمنی آن با جامعه و با نفس انسان

و انسانیت است. این در واقع کیفرخواست بازجوی حکومت

علیه حکومت است.

## سند دشمنی جمهوری اسلامی با نفس انسان و انسانیت:

جمهوری اسلامی جوانمیر مرادی، یک فعال کارگری را به جرم

دفاع از حقوق کارگران

اعتراض به شکنجه زندانیان

گرامیداشت یاد جانباختگان آبان ۹۸

مخالفت با اعدام

مگ به کودکان کار و خیابان



ربود و به زندان برد!

با دلایل منطقی و فنی غیر ممکن تلقی شده است باید بدانیم علت اصلی شلیک به این هوایمی مسافری چه بوده است.

اگر علت این حمله و نام دستوردهندگان این حمله بر ما و دنیا روشن نشود، اگر جنایتکاران در یک دادگاه بیطرف بین المللی به محاکمه کشیده نشوند، آنها دوباره شلیک خواهند کرد. اگر از همه ابزارهای موجود برای پاسخگور کردن حکومتی که در بیرحمی بیماند است استفاده نشود، آنها دوباره میکشند، آنقدر میکشند که پایانی بر آن متصور نیستیم.

این تحقیقات در مسیر اشتباهی افتاده است. ما بارها فریاد کشیدیم قاتل نباید نباید مسئول تحقیقات باشد و بعد از یکسال همچنان بر این مساله پافشاری میکنیم، نامه مینویسیم امضا جمع میکنیم به دیدارها میرویم و مصاحبه خواهیم کرد.

با اینکه هرآنچه یک بازمانده میتواند بکند انجام دادیم،

وقتی هواپیما به فرودگاه برمیگشت؟ چرا دزدیدید؟ چرا دروغ گفتید؟ چرا معترضان را زندانی کردید؟ چرا همچنان دروغ میگویید؟ چرا حرف از خونبها میزنید در حالی که هیچ چیز روشنی نیست؟ چرا این جنگ روانی را تمام نمیکند؟ شما از کجا آمده اید؟ روحتان، قلمتان، شرفتان را به چه بهایی فروخته اید؟ خشم، خشم، خشم است که انتهای ندارد.

جمهوری اسلامی ایران مسئول مستقیم این کشتار، این رنج ها و این مصیبت ها است. جمهوری اسلامی ایران است که از رنج کشیدن انسان ها سود میبرد. آنها دشمنان مردم هستند. دشمنان زندگی، دشمنان جوانی، رنگ، نور، دشمنان شادی، عروسی، مهربانی، دشمنان بچه ها، دشمنان کودکی که به دنیا نیامده بود، دشمنان علم، روشنایی، خنده، دشمنان ما، دشمنان جهان آزاد.

ما بازماندگان، ما قربانیان باید حقیقت را بدانیم. حال که تمام سناریوهای ایراد فنی، خطای انسانی، خطای سیستمی، خطای دستگاه

تکیه گاهشان بود. همه تحت درمان هستند اما کجاست مرهمی بر این زخم و این معصومیت دزدیده شده و این حقیقت زشت و غیر قابل باور که آنها از جایی که وطن میخواندند دیگر برنمیگردند. خواهرها، برادرها، همه هر روز گریه میکنند، گاهی هنوز به آن تلفن ها زنگ میزنند، گاهی هنوز منتظرت هستمی برایشان میفرستند، از دیدن پدر و مادرها در بیمارستان رنج میکشند، از تماشای ویدیوها و عکس های قدیمی گریزانند و تنها چیزی که آنها را زنده نگه میدارد مجموعه ای از خانواده ها هستند که کنار هم ایستاده اند. دوستان، اقوام، تمام آنها که دلشان در آن هواپیما بود آسیب دیده اند. میگویند دیگر زندگی به روال عادی برنمیگردد. حتی آنها که کسی را در آن هواپیما نمیشناختند رنج میکشند. این رنج، این اندوه، تمام جامعه را بیمار کرده است و تا امروز درمانی بر آن پیدا نیست.

از آنسو خشم، از آنسو خشم و عصیانیتی که انتها ندارد. همه فریاد میزنند چرا زدید؟ چرا موشک دوم را شلیک کردید

## متن پیاده شده صحبت حامد اسماعیلیون

در سالگرد جنایت حکومت علیه مسافران پرواز ۷۵۲

باقیمانده روز را به پایان میرند و هر شب کابوس ۳ دقیقه و ۴۲ ثانیه ای را میبینند که از شلیک اول تا سقوط فاصله بود. پدرانی هستند که هر روز پرهیب فرزندشان را در راهرو خانه میبینند و در دنیای خیالی بند کفشش را میبینند و در دنیای خیالی با او بازی میکنند. همسرانی که گمان میکنند رفیق نیمه راه بوده اند، همسرانی که پس از یک سال، دو سال، ده سال، بیست سال و گاهی چهل سال زندگی مشترک را پشت پنجره های یک هواپیما از دست داده اند، آخرین بوسه، آخرین فشردن دست، آخرین پیام دوستت دارم. از حال بچه ها بشنوید بچه هایی که پدر یا مادرشان در آن هواپیما بود. بچه ها افسردگی شدید گرفته اند تحمل بازی در پارک را ندارند. تحمل محبت پدر و مادرهای دیگر به فرزندانشان را ندارند. فرزندان انگار چیزی را گم کرده اند، مادری را که مونسشان بود، پدری که

ما بازماندگان یک جنایت هستیم. قربانیان یک جنایت. یکسال پیش در روز هشتم زانویه به عزیزان ما دستکم دو بار شلیک کردند. عامل جنایت سپاه پاسداران و جمهوری اسلامی ایران بود. بالاترین عوامل حکومت در این جنایت دست داشتند. در باره این جنایت بسیار گفته ایم. از بازگذاشتن آسمان ایران، از شلیک کردن دستکم دو موشک به هواپیمای مسافری، از غارت وسایل، از بولدزر انداختن در منطقه سقوط، از گروگان گرفتن جعبه های سیاه، از شستن خون انسان های بیگناه از دستانشان.

ما قربانیان این جنایت هستیم. حال امروز بعد از یکسال از خودمان حرف میزنیم. امروز خوب است که از حال بازماندگان بشنوید. مادرانی هستند که هر روز بر سر مزار فرزندشان گل های پرپر میریزند، با بوی عطرها





ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۰

اما ادامه خواهیم داد. ممکن است امروز در هشتم ژانویه یک سال بعد نه حقیقت آشکار شده باشد و نه عدالت برقرار، اما ما ناامید نخواهیم شد. با اینکه میدانییم سازمان جهانی هوانوردی غیر نظامی به کلی خود را کنار نگه داشته است و با اینکه گمان میکنیم هنوز اراده محکمی برای بردن جنایتکاران به یک دادگاه بین المللی وجود ندارد، اما در پایان این تونل سیاه و تاریک هنوز نوری هست. نوری که ممکن است روزی خورشید تابان عدالت شود که بر پرونده ps752 خواهد تابید.

۲ - ما از کمک ها و همیاری دولت کانادا تا امروز ممنونیم و در عین حال از دولت میخواهیم تشکیل تیم حقوقی، فعالیت موثر در ایکائو و بررسی وقایع یکسال گذشته را در نظر بگیرد و به همراهی پنج کشور متضرر و جامعه جهانی دست به اقدامات موثر علیه عاملین این جنایت بزند.

این ورق باید برگردد. ما زنده ایم، ما زنده ایم و خشممان شعله را زنده نگه میدارد. ما زنده ایم و همچنان خواهیم نوشت، خواهیم گفت. ما زنده ایم و با آن هوایما در پروازیم. ما جنایتکاران را، دشمنان

## اطلاعیه های حزب

### فتوای خامنه ای در مورد واکنس جنایتکارانه است!

همزمان با سالروز شلیک موشک سپاه پاسداران به پرواز اوکراین در ساعت ۶ و ۱۹ دقیقه صبح ۱۸ دی ۹۸، جمع کثیری از خانواده های جانبختگان طبق نقشه قبلی در فرودگاه خمینی در تهران تجمع کردند و مراسم سالگرد عزیزانشان را با گذاشتن عکس آنها و شمع و گل و پوستر برگزار کردند. سپس در حالیکه چراغ های ماشینی های خود را روشن کرده بودند بطرف محل سقوط هوایما در شاهدشهر حرکت کردند، مانع نیروهای سرکوب حکومت را عقب راندند و مراسم بزرگ و باشکوهی نیز در این محل برپا کردند. سخنرانان این دو مراسم عاملان این جنایت را محکوم کردند، مرگ بر کلیه جنایتکاران گفتند و خواهان دادخواهی شدند.

نیروهای سرکوب حکومت که از نقشه خانواده ها مطلع بودند، با ایجاد مانع تلاش کردند جلو ورود آنها به محوطه محل سقوط هوایما را بگیرند. اما با خشم و فریاد شجاعانه و عزم مصمم خانواده ها مواجه شدند و مجبور شدند راه را باز کنند. خانواده ها ۱۷۶ یادکنک قرمز که اسامی جانبختگان و عبارت «نه میبخشیم، نه

انجام نمیشد، ظریف و روحانی که سه روز تلاش کردند این جنایت را مخفی کنند، رئیسی که دستور اذیت و آزار و تهدید خانواده ها را صادر کرد و مقاماتی که در از بین بردن شواهد و تحویل ندادن بموقع جعبه سیاه نقش داشته اند، را در دادگاه های علنی محاکمه خواهیم کرد.

جمهوری اسلامی که جنایت شلیک موشک به هوایمای مسافری را در اوج بحران و درماندگی خود و با نقشه ای عامدانه انجام داد تصور میکرد ورق را برای چند روز به نفع خود برمیگرداند اما در این تلاش کثیفش ناکام ماند و کل جامعه ایران را دادخواه کرد. بحران داخلی و بین المللی جمهوری اسلامی با این جنایت تشدید شد و خشم و نفرت عمومی و عزم مردم برای سرنگونی مشتی جنایتکار و دزد و فاسد بیش از پیش زبانه کشید. روزی که با سرنگونی جمهوری اسلامی سران حکومت به دادگاه کشانده میشوند روز بزرگی در تاریخ رهایی نه تنها مردم ایران که کل بشریت خواهد بود.

زنده باد خانواده های جانبختگان پرواز اوکراین  
زنده باد جنبش دادخواهی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ دی ۱۳۹۹، ۷ ژانویه ۲۰۲۱

فراموش میکنیم» روی آنها نوشته نوشته شده بود، را همراه با پوسترهایی که با گل تزیین شده بود، روی زمین و دیوار محل نصب کردند و با موزیک و سخنرانی و شعار دادن مراسم باشکوه خود را به یاد عزیزان خود برگزار کردند. در این برنامه که دو ساعت به طول انجامید، سه نفر از اعضای خانواده های جانبخته سخنرانی کردند، مسببین این جنایت را محکوم کردند و خواهان محاکمه آنها شدند. همان جنایتکارانی که نقشه عامدانه شلیک موشک به هوایما را کشیده بودند، اینجا نیز نقشه کشیده بودند که جلو مراسم را بگیرند اما تودهنی بزرگی خوردند و خانواده ها برنامه خود را که به نحو احسن سازماندهی شده بود در مقابل چشمان نیروی سرکوب حکومت به اجرا درآوردند.

حزب کمونیست کارگری به خانواده های شجاع جانبختگان پرواز اوکراین درود میفرستد و یاد عزیزان جانبخته را گرامی میدارد. این مراسم ها عزم جامعه ای را نشان میدهد که خواهان دادخواهی است و هیچکس شکی ندارد که این حکومت را سرنگون میکنیم و تک تک آمرین و عاملین این جنایت، از سلامی فرمانده سپاه، حاجی زاده فرمانده هوا و فضای سپاه، شمعانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، خامنه ای که سازماندهی این جنایت بدون هیچ تردیدی بدون موافقت او

## اعتراض متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه علیه پرونده سازیها

بدنبال اجتماع یکساعته شماری از کارگران نیشکر هفت تپه در روز دوشنبه ۲۲ دیماه در اعتراض به احضار یوسف بهمنی از نمایندگان کارگران به کمیته انضباطی و ممانعت از ادامه جلسه این کمیته و نیز بدنبال اعتراضات چندروز اخیر کارگران این شرکت در حمایت از نمایندگانشان و علیه فشارهای امنیتی بر آنان، بار دیگر برای شماری از کارگران این مجتمع کارگری پرونده تشکیل شده است. بنا بر خبر در حالیکه کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر خواستههایشان هستند عوامل کارفرما با کمک امجدی مسئول حراست و باند مافیایی اسدیگی، طی شکایت نامه ای علیه بیش از ۲۰ نفر از کارگران پرونده سازی کرده اند و شعبه اول دادپاری دادسرای شوش برای تعدادی از آنان ابلاغیه ارسال کرده است.

به گفته کارگران آنها بیش از دویست پرونده در این دادگاه ها

نزدیکی به پالایشگاه بیدبلند 2 اما ساکنین این روستا در محرومیت شدید قرار داشته و اکثر جوانان این روستا بیکارند. طی یکسال و نیم گذشته جوانان جویای کار این روستا تجمعات اعتراضی متعددی مقابل پالایشگاه و نیز فرمانداری بهمیان برگزار کرده اند. تجمع روز پنجشنبه 25 دی ماه این جوانان که مقابل درب اصلی پالایشگاه برپا شده بود با هجوم ماموران انتظامی و لباس شخصی ها روبرو شده و در این میان تعدادی از معترضان زخمی شدند. پیشتر نیروهای امنیتی بهمیان خانواده های این جوانان را تهدید کرده بودند که در صورت ادامه اعتراضات با فرزندان آنها برخورد خواهند کرد.

بیکاری یک درد اجتماعی است و از تجمعات اعتراضی کارگران بیکار که عمدتاً جوانان هستند باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد. به حمله نیروهای سرکوب به صف آنان باید وسیعاً اعتراض کرد و بازداشت شدگان این اعتراضات باید فوراً آزاد شوند. بیمه بیکاری مکفی در حد داشتن یک زندگی قابل قبول حق همه کارگران بیکار اعم از زن و مرد است و شعار و خواست امروز جوانان بیکار یا کار یا بیمه بیکاریست. در عین درمان رایگان برای همه تحصیل رایگان برای همه کودکان و داشتن مسکن حقوق مسلم و پایه ای همه مردم است.

کمیته سازمانده - واحد

خوزستان  
۲۵ دی ۱۴۰۹، ژانویه ۲۰۲۱

هکنار از زمین های حاصلخیز کشاورزان در دو سمت رودخانه کارون به تملک دولت درآمده است و اهالی روستاهای بسیاری به دلیل از دست دادن زمین های زراعی خود بیکار شده اند. روز ۲۳ دی جوانان روستای "ابوصخیر" در حالی که برای درخواست کار و شغلی مناسب مقابل شرکت سلمان فارسی جمع شده بودند، مورد هجوم نیروهای انتظامی و حراست شرکت قرار گرفته و تعدادی از آنها با وجود جراحات شدید بازداشت شدند. این بازداشت ها فضایی از اعتراض در میان اهالی این منطقه ایجاد کرده است. بازداشت شدگان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

در همین روز یعنی سه شنبه 23 دی در هویزه یکی دیگر از شهرهای استان خوزستان شماری از شهروندان بیکار مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گفته معترضان که در میان آنها جوانان تحصیل کرده بسیاری وجود داشتند، شرکت های نفتی و گازی متعددی در این منطقه مستقر هستند اما سهم جوانان این شهر از سفره های وسیع زیرزمینی نفت و گاز تنها فقر و محرومیت و آلودگی محیط زیست است. این جوانان می گویند ما خواستار اشتغال در شرکت های نفتی حاضر در منطقه هستیم اما هیچکدام از این شرکت ها حاضر به استخدام آنها نیستند و استخدامها اساساً بر اساس روابط صورت میگیرد.

روستای شهریوی از دیگر مناطق روستایی استان خوزستان است که علیرغم

قدرت اتحاد خود را تجربه میکنند با خواستهایی چون برکناری مدیران فاسد، پرداخت فوری مطالبات آنان بابت اضافه کاری ها و حق بدی آب و هوا، داشتن امنیت شغلی، و پایان دادن به امنیتی کردن محیط کار و علیه توطئه گری هایی چون تلاش برای ایجاد شورای اسلامی، به میدان آمده اند.

حرکت متحدانه کارگران فولاد اهواز در کنار اعتراضات کارگران هفت تپه و نفت بیانگر به میدان آمدن قدرتمند کارگران با خواستهایی روشن و تعرضی است. باید فعالانه از این اعتراضات حمایت و پشتیبانی کرد.

پیش بسوی اعتصابات  
سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۴ دی ۱۳۹۹، ژانویه ۲۰۲۱

## گسترش اعتراضات علیه بیکاری در شهرهای خوزستان

سونامی بیکاری در ایران روز به روز در حال شدت گرفتن است و حکومت با ناتوانی و درماندگی پاسخی جز سرکوب برای مطالبه کار و تامین، این حق اولیه و اساسی مردم ندارد. از همین رو یک عرصه مهم اعتراض در جامعه اعتراض علیه بیکاری است و از جمله در روزها و هفته های گذشته اعتراضات جوانان جویای کار در اعتراض به وضع اسفناک موجود و بی تأمین مطلق شدت و گسترش بیشتری یافته است. یکی از مراکز مهم این اعتراضات در استان خوزستان است.

در روز سه شنبه بیست و سوم دی ماه جوانان روستای "ابوصخیر" جوانان جویای کار به دنبال یافتن شغلی مناسب مقابل شرکت نیشکر سلمان فارسی تجمع کردند. این شرکت تولید شکر در چهل کیلومتری جاده اهواز به آبادان قرار دارد و روستای "ابوصخیر" همجوار با این مرکز صنعتی است.

بر اساس طرح توسعه نیشکر و تاسیس کارخانجات شکر در مناطق مختلف استان خوزستان تاکنون 120 هزار

ادامه اطلاعاتی های حزب از صفحه ۱۱

منطقه دامن زده است. کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر مطالباتشان هستند. کارگران خواستار خلع ید از بخش چپاولگر خصوصی، گسیل یک نفر به شرکت و اداره آن تحت نظارت و مشورت خود و دیگر مطالباتشان همچون پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و پرونده سازها و لغو تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده علیه کارگران هستند. کوتاه شدن کامل دست شورای اسلامی و کمیته انضباطی از این شرکت، بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی، و پرداخت بموقع دستمزدها نیز از دیگر خواسته های کارگران است. نیشکر هفت تپه یک سنگر مهم جنبش کارگری است و اعتراضات این کارگران در مرحله تعیین کننده ای قرار دارد. از خواستها و مبارزات آنها باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

پیش بسوی اعتصابات  
سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۴ دی ۱۳۹۹، ژانویه ۲۰۲۱

## اعتصاب ۱۳۰۰ کارگر فولاد اهواز در سه بخش تولیدی کوثر، تیر آهن و لوله سازی

خواستهایشان مصرانه تأکید کردند. کارگران بعد از مشورت جمعی و ارزیابی پیشنهادات مدیریت سرانجام امروز عصر مهلت سه روزه مدیران را برای عملی شدن خواستههایشان پذیرفته و قبول کردند که موقتاً به سر کارشان بازگردند. به کارگران وعده داده شده است که روز شنبه ۲۷ دی درباره خواسته های آنان تصمیم گیری خواهد شد و کارگران اعلام کرده اند که اگر پاسخ نگیرند به اعتصاب و اعتراض خود ادامه خواهند داد.

این اعتراضات بدنبال حرکت اعتراضی متحدانه و موفقیت آمیز کارگران فولاد علیه بساط شورای اسلامی، این نهاد سرکوب و جاسوسی در کارخانه و به هم زدن بساط نمایش انتخابات برای آن به جریان افتاده است که فضای اتحاد و همبستگی در میان کارگران را علیه مدیران تقویت کرده است. امروز کارگران فولاد که بار دیگر

دارند و همین یکماه پیش چهار نفر از آنان دستگیر شدند و بعد هم حکم اخراج پانزده کارگر داده شد. اکنون نیز سیاست فشار به کارگران و پرونده سازی برای آنان را برای ابقای اسدیگی به پیش میبرند. در ارتباط با این پرونده سازیها و احضار کردن کارگران نیشکر هفت تپه هشدار داده اند و اعلام کرده اند که تعرض به همکاریانشان خط قرمز آنهاست و اجازه نخواهند داد. در همین راستا کارگران به تجمع فراخوان داده اند و حمایت فعال کارگران از نمایندگانشان ادامه دارد.

خبر دیگر از سرکوب جوانان روستای "عین" به دستور شریعتی استاندار رشوه خوار وابسته به باند اسد بیگی حکایت میکند. روستای "عین" وسط مزارع نیشکر هفت تپه قرار دارد. مافیای نیشکر هفت تپه قبلاً از این جوانان برای تبلیغات به نفع اسد بیگی سوءاستفاده کرده بود و اکنون که بهره برداری خود را از آنها کرده اند، به آنها حتی اجازه نزدیک شدن و عبور از تاختستان را نمیدهند و با سرکوب و تهدید آنها را از محل دور میکنند. این موضوع به فضای اعتراض در

از گروه ملی فولاد در اهواز خبر میرسد که کارگران این شرکت امروز چهارشنبه ۲۴ دی در اعتراض به نپرداختن اضافه کاری های ایام تعطیل کرونا و عدم پرداخت حق بدی آب و هوا و همینطور اعتراض به حضور مدیران فاسد در سه بخش تولیدی کوثر، تیر آهن و لوله سازی وارد اعتصاب شده اند. خواست برکناری مدیران فاسد و رانت خوار که یک عامل مهم کشیده شدن وضع شرکت به حالت بحرانی است و شغل و معیشت کارگران را بخطر انداخته است، خواست مهم سه هزار کارگر شاغل در فولاد اهواز است. در همین رابطه کارگران فولاد اهواز روز سیزدهم دیماه وارد عمل مستقیم شده و تلاش کردند این مدیران را از شرکت بیرون بیندازند.

در حرکت اعتراضی امروز ۲۴ دیماه مدیران مختلفی با کارگران وارد مذاکره شدند و قولهایی دادند و کارگران بر روی

## انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی  
ادیتور: کاظم نیکخواه  
مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org